

الزامات جامعه‌پردازی امنیت‌محور در کشورهای همسوی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی

سیدناصر سیدی ارزنگ^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم بر سه کلیدواژه «خودسازی»، «جامعه‌پردازی» و «تمدن‌سازی» به عنوان مراحل فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم انقلاب تأکید فرموده‌اند. هدف پژوهش حاضر تبیین الزامات جامعه‌پردازی امنیت‌محور در کشورهای همسوی در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی است. از آن جایی که امنیت، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نیاز اجتماعی انسان است، جامعه‌پردازی امنیت‌محور از اصلی‌ترین اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در راستای عمق‌بخشی و نیل به تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. حضرت امام خمینی (ره)، نیز هدف اصلی سیاست خارجی ایران را از بدو استقرار جمهوری اسلامی تبلیغ و گسترش اسلام انقلابی در راستای برقراری امنیت دارالاسلام دانسته‌اند. بنابراین دیدگاه، مفهوم «امت» جایگزین مفهوم «ملت» شده و امنیت ایران به امنیت کل جهان اسلام وابسته می‌شود. در این مقاله از شیوه کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها و از روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل یافته‌های استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حفظ دارالاسلام و اصل «نفی سبیل» مبنای جامعه‌پردازی امنیت‌محور است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، جامعه‌پردازی، امنیت، عمق‌بخشی، گام دوم انقلاب اسلامی



مقدمه

رهبر حکیم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای، در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب و بعد از گذار از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده بیانیه‌ای با عنوان بیانیه گام دوم انقلاب را در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ صادر و ادامه راه انقلاب را در این بیانیه روشن کردند. در این بیانیه، معظم له توصیه‌هایی به منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی ارائه فرمودند. این بیانیه فصل جدیدی در ادامه حیات انقلاب اسلامی و نهاد برآمده از آن، یعنی جمهوری اسلامی ایران گشود و منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به شمار می‌رود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تصریح کردند: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود» (حضرت آیت الله خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷).

جامعه‌پردازی به معنای ساخت جامعه در بستر کنش متقابل انسانی است. در جامعه‌پردازی مطلوب، هدف غایی رشد و تعالی آحاد جامعه در ابعاد و زمینه‌های مختلف معنوی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی، امنیتی و غیره است و برای نیل به این هدف، تمام ظرفیت‌های موجود در راستای ساخت جامعه مطلوب به کار گرفته می‌شود. این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری داده‌ها و روش توصیفی-تحلیلی در تبیین و تحلیل داده‌ها، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است: «الزامات جامعه‌پردازی امنیت‌محور در کشورهای دوست کدام‌اند؟» ماهیت این پژوهش، کاربردی است و براساس ماهیت داده‌ها و نحوه گردآوری آنها، این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد.



چارچوب نظری: امنیت اجتماعی شده

در این مقاله، ضمن اشاره گذرا به تعاریف مختلف امنیت، تلاش خواهد شد چارچوب نظری پژوهش براساس نظریه «امنیت اجتماعی شده»^۱ ارائه شود. در زبان فارسی تاکنون معادل‌های متفاوتی برای این واژه ارائه شده است، اعم از امنیت جامعه‌محور و یا امنیت اجتماعی که هر یک نواقص و کاستی‌هایی دارد که کاربرد آن را با مشکل مواجه می‌سازد. به منظور تحلیل «امنیت اجتماعی شده» ابتدا اصول اصلی گفتمان امنیت، مطرح و متناسب با آن، تلقی از این واژه ارائه می‌شود. امنیت اجتماعی شده را می‌توان یکی از نظریه‌های نوین امنیتی به شمار آورد که به دلیل اهمیت و اثرگذاری بالای آن در فهم و مدیریت امنیت، به گفتمانی مسلط تبدیل شده است (افتخاری، ۱۳۹۱).

واژه «امنیت» ریشه در واژه «امن» زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن، مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر است. واژه «امن» به معنی بی‌گزند و بی‌آسیب و دارای آرامش است. امنیت هم یعنی بی‌گزندی و بی‌آسیبی یا حالتی که در آن گزند، خطر و آسیب راه ندارد و آرامش در آن برقرار است. در لغت تعریف امنیت «حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله» است. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۸).

«والتر لیپمن»، پژوهشگر و نویسنده آمریکایی نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را پیش ببرد» (محمدی، ۱۳۸۱). اهمیت مقوله بنیادین امنیت در گذار از حوزه فردی و ورود به عرصه اجتماعی، به ویژه آن‌گاه که تأمین مطالبات عمومی و مصالح ملی، تشکیل نهادی به نام دولت را ضرورت می‌بخشد، دوچندان می‌شود. امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که براساس آن، همه افراد جامعه در انجام دادن فعالیت‌های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته، از امکانات جامعه یکسان برخوردار باشند و همه افراد در موقعیت برابر قرار گیرند (عطارزاده، ۱۳۸۷).



درواقع، امنیت از مهم‌ترین اهداف، منابع و ارزش‌های اصولی پایدار جامعه است و مهم‌تر از امنیت، احساس امنیت است که وجود آن لازم، حتمی و ضروری است. برای مثال، ممکن است در یک جامعه اقدامات تأمینی به شدت توسط نهادها و دستگاه‌های انتظامی و پلیسی صورت گیرد، اما افراد احساس امنیت نکنند (حسینی نثار و قاسمی، ۱۳۹۱). مجموع نظریه‌هایی که در حوزه امنیت وجود دارد را می‌توان در قالب دو گفتمان اصلی تقسیم‌بندی کرد که با عنوان گفتمان‌های «ایجابی و سلبی» از آنها یاد کرده‌اند.

اول: گفتمان سلبی: بر مبنای گفتمان سلبی، امنیت وضعیتی است که در آن برای منافع یک بازیگر تهدیدی از سوی سایر بازیگران وجود نداشته باشد و یا اگر چنین تهدیدی هم دیده شود، در واقع، بازیگر توان مدیریت و دفع آن را داشته باشد.

دوم: گفتمان ایجابی: گفتمان ایجابی تأکید می‌کند که امنیت تابعی از مناسبات بین دو مؤلفه اساسی است: یکی، خواسته‌های بازیگران و دیگری، میزان کارآمدی نظام حاکم بر جامعه. اگر تناسب به گونه‌ای میان این دو مؤلفه برقرار شود که در افراد آن جامعه تولید رضایت کند، آن جامعه به یک جامعه امن تبدیل خواهد شد. در سطح ملی، اگر بین خواسته‌های شهروندان و کارویژه‌های نظام سیاسی رابطه‌ای متعادل وجود داشته باشد، آن جامعه به جامعه‌ای امن تبدیل خواهد شد.

بنابراین، گفتمان ایجابی برخلاف نگاه سلبی، رویکردی کاملاً نرم‌افزارانه به مسئله امنیت دارد که معادلات و محاسبات را در داخل استوار می‌کند و بیرون حجیت ذاتی ندارد، بلکه عرضی است از آنچه که ما در درون برای خود تجزیه و تحلیل کرده، آن را سازماندهی کرده‌ایم. به همین دلیل، گفتمان ایجابی در نهایت، امنیت را به مستدلانی چون «رضایت»، «ایمان» و «توانمندی» (نه صرف زور و قدرت)؛ و گفتمان سلبی امنیت را به قدرت تقلیل می‌دهد. براساس گفتمان‌های مذکور می‌توان دو تصویر متفاوت از امنیت اجتماعی شده ارائه داد:

الف) امنیت اجتماعی شده در گفتمان سلبی

تلقی گفتمان سلبی از امنیت اجتماعی مبتنی بر اصل انفصال جامعه و امنیت است. از نگاه تحلیل‌گران سلبی بین امنیت جامعه و خود جامعه ارتباط مستقیم وجود ندارد. تصور



می‌شود که امنیت یک کالا باید ساخته و پرداخته شود و در جامعه محقق گردد. یک نظام سیاسی به نام دولت وجود دارد که می‌تواند و موظف است امنیت جامعه را ساماندهی کرده، طبق ضوابط، قوانین، بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها آن را ابلاغ کند. بازیگران نیز موظف هستند برای برقراری امنیت جامعه، خودشان را با آن استانداردها تطبیق دهند. گفتمان سلبی امنیت اجتماعی شده با دو قاعده اصلی کار می‌کند:

اول اینکه امنیت جامعه ساختاری غیر اجتماعی دارد؛ اینکه در جامعه‌ای چه می‌گذرد و تحولات اجتماعی چگونه است اهمیتی ندارد. قاعده دوم در گفتمان سلبی این است که چون جامعه اهمیت خاصی ندارد، امنیت با قدرت فهم می‌شود و این نظام سیاسی است که تصمیم‌گیرنده است. برای همین است که امنیت اجتماعی شده در گفتمان سلبی به شدت «قدرت بنیاد» می‌شود، یعنی «قدرت» محور، «جامعه» موضوع و «امنیت اجتماعی شده» کالایی است که دولت برای جامعه به ارمغان می‌آورد.

ب) امنیت اجتماعی شده در گفتمان ایجابی

در گفتمان ایجابی این اصول نفی می‌شود. اینکه بتوان بین جامعه و امنیت خط فاصل بکشیم، از منظر گفتمان ایجابی بی‌معناست. در گفتمان ایجابی اساساً امنیت در درون بستر و درون تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و امنیت از شبکه اجتماعی بیرون می‌آید. الگوی امنیت نیز از نوع تعاملات اجتماعی نیست. بنابراین، جامعه به عنوان یک عامل ساده مطرح نیست، بلکه زمینه و اصل امنیت است (افتخاری، ۱۳۹۱).

مرجع امنیت اجتماعی شده: هویت

در مطالعات امنیتی، میان مفهوم دوگانه «امنیت دولتی»^۱ و «امنیت اجتماعی شده»^۲ تمایز اساسی وجود دارد؛ در حالی که هدف غایی «امنیت دولتی» تضمین حاکمیت موجود است، «امنیت اجتماعی شده» دغدغه‌های اساسی مربوط به «هویت»^۳ را پیگیری می‌کند (Waeber, 1993: 25). با این توضیح می‌توان مدعی شد که امنیت دولتی و امنیت اجتماعی شده، هم می‌توانند در یک راستا حرکت کرده، مقوم یکدیگر باشند و هم در یک رابطه تقابلی و احتمالاً خصمانه در مقابل یکدیگر

1. governmental Security
2. Societal Security
3. Identity

قرار گیرند (مک‌سویینی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). ویور^۱ و همکارانش در نظریه امنیت اجتماعی شده، با قرار دادن هویت به عنوان مرجع امنیت، مدعی هستند که در میان همه ارزش‌هایی که برای انسان‌ها قابل تصور است، «هویت» از جایگاه ویژه و برجسته‌ای برخوردار است؛ به نحوی که یک تهدید یا ناامنی هویتی، اساساً یک تهدید وجودی به شمار می‌رود (مک‌سویینی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). بر این اساس، می‌توان گفت امنیت اجتماعی شده به دنبال صیانت از مهم‌ترین ارزش وجودی انسان، یعنی هویت و برقراری «امنیت هویتی»^۲ است.

کاستلز معتقد است که بر ساخت هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌گیرد و بر این اساس، سه شکل و منشأ برای بر ساخت هویت قائل است:

۱. هویت مشروعیت‌بخش: این نوع هویت توسط نهادهای مسلط بر جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه آن‌ها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد. این رویکرد با نظریه‌های رایج مربوط به ملی‌گرایی هم‌خوانی دارد.

۲. هویت مقاومت: این هویت از طریق کنشگرانی که توسط منطق سلطه یا نظام حاکم کنار گذاشته شده یا بی‌ارزش تلقی شده‌اند و داغ‌ننگ بر پیشانی آن‌ها زده شده است، اتخاذ می‌شود. بر این اساس، گروه‌های اجتماعی محروم و اقلیت‌ها، سنگ‌ریه‌هایی برای مقاومت و بقای هویتی بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد خویش می‌سازند.

۳. هویت برنامه‌دار: هویت برنامه‌دار زمانی محقق می‌شود که کنشگران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترس، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند. کنشگران از طریق بر ساخت هویت به صورت برنامه‌دار در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند (کاستلز، ۱۳۸۴: ۲۴).

دکترین‌های امنیتی، غالباً از نظریه‌های روابط بین‌الملل مشتق شده‌اند یا از رهیافت‌های برگرفته از نظریه‌های روابط بین‌الملل برای تبیین دکترین‌های امنیتی دولت‌ها بهره‌گرفته شده است (دهقانی، ۱۳۸۷: ۱۵). منظور از مکتب امنیتی، مجموعه‌ای منسجم از افکار و آرای علمی در حوزه امنیت است که گروهی از صاحب‌نظران آن را پذیرفته‌اند و در تمایز با سایر دیدگاه‌های امنیتی است. علاوه بر این، مکتب امنیتی از یک‌سو، مشتمل بر یک‌سری مبادی فرانظری، مانند هستی‌شناسی امنیتی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی امنیتی است و از سوی دیگر، متضمن

1. Waever
2. identitysecurity



مبادی نظری و پاسخگویی پرسش‌های اساسی حوزه امنیت (سؤال‌هایی مانند: چیستی امنیت، مرجع امنیت، غایت امنیت، ابعاد امنیت، منابع امنیت و غیره) است (خسروی، ۱۳۹۱: ۳۱).

هر مکتب امنیتی باید توانایی پاسخگویی به این سؤالات را داشته باشد:

- مسائل و مشکلات امنیتی جامعه هدف کدام است؟

- نظریه‌های موجود تا چه حد می‌توانند به این مسائل پاسخ دهند یا کدام نظریه بیشترین

انطباق را با مسائل امنیتی جامعه هدف دارد؟

- چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان درباره مسائل خاص امنیتی جامعه هدف نظریه‌پردازی کرد؟

بنابراین، جامعه‌پردازی امنیت‌محور باید برای هر یک از سؤالات فوق پاسخ معتبری ارائه

دهد. در گفتمان انقلاب اسلامی، الزامات جامعه‌پردازی امنیت‌محور در چارچوب مبانی

هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی اسلامی ارائه می‌شود.

الزامات جامعه‌پردازی امنیت‌محور

در حوزه اسلامی، وقتی از امنیت اجتماعی^۱ صحبت می‌شود اولین گزاره‌ای که می‌توان به

آن اشاره کرد، آن است که نگاه اسلامی با گفتمان ایجابی تناسب دارد. گفتمان ایجابی که به

آن اشاره شد و از سوی اسلام هم تأیید می‌شود، البته نمی‌تواند تمام ظرایف گفتمان اسلامی

را منعکس کند. اسلام نظریه‌ای جدید در مورد گفتمان امنیت اجتماعی شده عرضه می‌کند.

اسم این نظریه را «نظریه امنیت اجتماعی شده هنجاری» می‌گذاریم. در آنجا این نظریه روی

هویت‌ها بنیان شده بود، ولی در اینجا روی هنجارها بنا شده، یعنی گفتمان ارزش‌بنیاد است.

مهم‌ترین اصلی که در گفتمان امنیت اجتماعی شده باید به آن اشاره کرد، «توحید» است.

اینکه قائل باشیم یک نیرو و کانونی به نام «الله» وجود دارد. به بیان دیگر، خداوند متعال

در نظام هستی اصل است و کل نظام هستی فرع. این مسئله دارای بار امنیتی است. در نگاه

اسلامی، توحید بر حوزه اجتماعی هم حاکم می‌شود. همه آنچه که برای امثال بوزان در مکتب

کپنهاک ذاتی و محور بود و به تعبیر خودشان ساخت بود، همه اینها می‌شود «عرض» در مقابل

رابطه انسان و خدا که تبدیل به ایمان می‌شود. ایمان بار امنیتی پیدا می‌کند و توحید این کانون

محوری، صرفاً اصول عقاید نیست، بلکه یک رکن امنیتی محسوب می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۹).

موضوع مهم بعدی مفهوم «سعادت» است که امنیت منوط به «بنای آن بر جامعه فراگیر

1. Societal Security

انسانی» است. در قرآن کریم وقتی بحث امنیت مطرح می‌شود، چند واژه متفاوت نظیر خوف و امن به کار برده می‌شود. اما در نهایت، از واژه سکینه و اطمینان استفاده شده است. در حقیقت، با نگاه اسلامی مراتب عالی امنیت به منفعت ختم نمی‌شود، بلکه چند پله جلوتر رفته، به سعادت خواهد رسید. البته درون سعادت منفعت هم وجود دارد، در حالی که درون منفعت ضرورتاً سعادت نیست. بنابراین، نکات مطرح شده اثباتی است؛ اینکه ما می‌گوییم سعادت اهمیت دارد، نه بدان معناست که اسلام به منفعت توجهی ندارد، بلکه اسلام سعادت را مطرح می‌کند که منفعت‌ها در ذیل آن معنا پیدا می‌کند.

اصل مهم دیگر در مکتب امنیتی اسلام، «هدایت» است. اصل هدایت در واقع، همان چیزی است که ما درون جامعه با سازوکارهایی مثل امر به معروف و نهی از منکر می‌شناسیم. امر به معروف و نهی از منکر همان اجتماعی‌ترین سازوکار برای تولید امنیت است. (افتخاری، ۱۳۸۹). از این رو، جامعه‌پردازی امنیت‌محور، یعنی خنثی کردن تمام نیروها و پتانسیل‌های تهدیدکننده انسجام و همبستگی داخلی و امنیت ملی. به عبارت بهتر، امنیت کشورها به میزان تعادل، ثبات و انسجام داخلی وابسته است که از آن برخوردارند. شکوفایی اقتصادی یک جامعه، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی برای توسعه، پیشرفت و هرگونه فعالیت‌هایی که می‌تواند عاملی مؤثر برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سایر ابعاد جامعه باشد، همه در سایه جامعه‌پردازی امنیت‌محور میسر می‌باشد. از این رو، برای جامعه‌پردازی امنیت‌محور، باید به مؤلفه‌های اساسی زیر در محیط داخلی توجه داشت:

- لایه اقتصادی؛

- لایه سیاسی؛

- لایه اجتماعی و فرهنگی؛

- لایه نظامی و امنیتی.

هدف غایی جامعه‌پردازی امنیت‌محور آن است که ملت در مقابل تهدیدات آشکار و پنهان در درون مرزهای ملی خود امنیت داشته باشد. این تهدیدهای محیط امنیتی داخلی می‌توانند، منازعات سیاسی، شورش و نابسامانی‌های اقتصادی و نظامی مانند کودتا و یا ناآرامی‌های اجتماعی (آشوب‌ها و اغتشاشات اجتماعی) باشند، که هر یک به نوعی دولت و هیأت حاکمه سیاسی را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهند و محیط امنیتی داخلی را دچار بحران می‌کنند.



جمهوری اسلامی نیز متأثر از آموزه‌ها و معارف اسلامی دارای مبانی فرانظری خاصی است که در نظریه‌پردازی امنیتی باید لحاظ شود. از این رو، یکی از اندیشمندان امنیتی کشور، مکاتب امنیتی موجود در غرب را ذیل عنوان مکتب امنیتی «متدانیه» مفهوم‌پردازی کرده که هدف آن، تأمین بقای دنیوی انسان‌هاست و مکتب ایده‌آل اسلام و جمهوری اسلامی ایران را با نام مکتب «متعالیه» ترسیم کرده که بقای ابدی انسان و رسیدن به قرب الهی در کانون توجه آن است (لک‌زایی، ۱۳۸۹: ۲۶). بهترین راه شناخت دیدگاه اسلام درباره مفهوم امنیت، رجوع به منابع اولیه اسلامی است. قرآن کریم اولین منبع احکام اسلامی است. سوره نور در آیه ۵۵، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت برمی‌شمارد. خداوند در آیات اول تا سوم سوره تین، وقتی برای بیان آفرینش استثنایی انسان و خلقت ویژه او به اموری قسم یاد می‌کند، در نهایت، شهر مکه را در این ردیف آورده، آن را با ویژگی امنیت همراه می‌کند. این ویژگی برای شهر مکه در آیات دیگر از جمله: سوره عنکبوت، آیه ۶۷؛ قصص، آیه ۵۷؛ ابراهیم، آیه ۳۷ و بقره، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ نیز ذکر شده است. این خود بیانگر نقش یگانه امنیت و ضرورت وجود آن در زندگی جمعی و حیات مادی و معنوی بشر است.

امنیت اجتماعی عبارت است از ایجاد شرایط و موقعیتی که براساس آن، همه افراد جامعه در انجام دادن فعالیت‌های مشروع و قانونی خود، آزادی کامل داشته و از امکانات جامعه به‌طور یکسان برخوردار باشند و نیز همه افراد در موقعیتی برابر قرار گیرند. نخستین شرط زندگی سالم اجتماعی، استقرار نظم و امنیت در جامعه است. جامعه بدون امنیت، فاقد آسایش و آرامش خواهد بود و نشاط و تلاش از آن رخت برمی‌بندد. در ناامنی اجتماعی اقتصاد فرومی‌پاشد، حوزه فرهنگی گرفتار سکون می‌شود و فرهیختگان به جای تبادل آزاد اندیشه و تضارب آرا و افکار به کتمان و تقیه روی می‌آورند و انسان‌های بی‌شخصیت، مسموم، متملق و چاپلوس مدیران جامعه می‌شوند. امیرمؤمنان علی(ع) در فرازی از نهج البلاغه (خطبه ۲۰) یکی از ویژگی‌های جامعه جاهلی را نبود امنیت اجتماعی بر شمرده می‌فرماید: در جامعه جاهلیت اندیشمندان و آگاهان جامعه، دهان‌شان بسته و نادانان و انسان‌های بی‌هویت و سالوس مورد احترام بودند (عطارزاده، ۱۳۸۷).

نظام جمهوری اسلامی در جایگاه نظام سیاسی برآمده از دین، ماهیت و فلسفه وجودی متفاوتی با سایر نظام‌های سیاسی دارد. این تفاوت، خود ملزوماتی را در نظریه‌پردازی مکتب امنیتی ایجاد کرده، مبانی فلسفی و فرانظری حاکم بر آن و به تبع آن، مبانی نظری آن را در برخی جهات متمایز با سایر مکاتب امنیتی می‌سازد. برای مثال، همان‌طور که تفاوت در برخی مبانی فرانظری (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی) در غرب یکی از علل ظهور مکاتب مختلف در حوزه امنیت بوده است (قیصری، ۱۳۹۳)، جمهوری اسلامی ایران با هدف نجات انسان در چارچوب دکترین تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه با هر جریان، جنبش و دولتی که مخالف استکبار جهانی و نظام سلطه است، متحد طبیعی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران همواره به عنوان ام‌القری جهان اسلام و قبله مقاومت، مخالف سلطه‌گرایی، چه از نوع غربی چه از نوع شرقی آن، بوده است. از این رو، حفظ رهیافت ستیزندگی و رویکرد تهاجمی انقلاب، یعنی سلطه‌ستیزی به طور اعم و امریکاستیزی و صهیونیسم‌ستیزی به طور اخص، جزء لاینفک هویت و بلکه امنیت هستی‌شناختی انقلاب اسلامی تلقی می‌شود (قادری کنگاوری، ۱۳۹۴: ۶-۵).

شالوده‌سیاست خارجی در اسلام، بر قواعد الزام‌آور حقوقی در فقه استوار است که هدف تأمین امنیت از رهگذر نیل به اقتدار سیاسی را دنبال می‌کند. بدین منظور، در فقه سیاسی اسلام اصلی به نام «حفظ دارالاسلام» حاکم است که اصول دیگر در پرتو آن رنگ می‌گیرند. مبانی سیاست خارجی در اسلام را می‌توان در سه اصل کلی زیر خلاصه کرد (قادری، ۱۳۶۶: ۲۶۶).

۱. حفظ دارالاسلام در مقابل دارالحرب، دارالکفر و دارالمعاهد: در اسلام تمامی ارتباطات امنیتی و اقتصادی خارجی باید در راستای این اصل تنظیم شود؛ مسائلی از قبیل حسن هم‌جواری، خرید و فروش تسلیحات، تجهیز قوا، جهاد تدافعی و مناسبات سیاسی، تجاری و اقتصادی با دول و سازمان‌های دیگر که موجب امنیت و جلب حمایت دیگران و کمک به بشریت در جهت رسیدن به آرامش و همزیستی مسالمت‌آمیز است، همگی در زیرمجموعه حفظ دارالاسلام جای دارند (عطارزاده، ۱۳۸۷).

۲. اصل دعوت: اصل دعوت در اسلام به خوبی مؤید طرح تکاملی انسان به سوی حرکت در جهت ایجاد امت واحده جهانی است و به این ترتیب، خواستار برقراری پیوند میان امنیت



جامعه اسلامی با جوامع دیگر است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ». علاوه بر اسلام، تمامی مکاتب دینی و سیاسی دیگر نیز به اصل دعوت اهتمام خاصی دارند.

۳. اصل نفی سییل: این اصل مبتنی بر اقتدار اسلام و اعتلای آن بر مکاتب دیگر است: «الاسلام يعلوا ولا يعلى عليه». به عبارت دیگر، ولایت کفار بر مسلمانان در اسلام جایز و پسندیده نیست. طبق این اصل، اگر در معاهده‌ای (اقتصادی یا امنیتی) حیثیت دارالاسلام لحاظ نشده باشد، آن معاهده ملغی است (عطارزاده، ۱۳۸۷).

مقاومت؛ راهبرد کلان امنیتی جمهوری اسلامی ایران

مقاومت به عنوان نقطه تلاقی مصالح اسلامی و منافع ملی (عمق‌بخشی و بازدارندگی)، ضامن استقلال و اساساً مرز میان حق و باطل و بلکه شاخص مرزبندی با دشمن است که با «سلطه» و «اشغال» از یک طرف، و «الحاد» و «تکفیر» از طرف دیگر، به یک میزان مبارزه می‌کند؛ یعنی مبارزه با استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل و همچنین مقابله با اسلام‌هراسی و افراط‌گرایی. البته این بدان معنا نیست که دیپلماسی نهضتی فقط به دنبال مبارزه سلبی است، بلکه «نظام‌سازی» یکی از اهداف اصلی آن است. به بیان دیگر، رد و نفی نظام‌های وابسته و ایجاد نظام‌های مقاوم در محور مقاومت؛ کماینکه پس از «لا اله»، «الا لله» مطرح می‌شود (قادری، ۱۳۹۸).

در این زمینه، رهبر معظم انقلاب در بیانیه مهم «گام دوم انقلاب» به این نکته بسیار مهم اشاره فرموده‌اند: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌روست؛ اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مؤلفه‌های قوام‌بخش راهبرد کلان امنیتی مقاومت

الف) مقاومت سیاسی

مقاومت سیاسی شامل به کارگیری دیپلماسی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی برای شکل‌دهی به بلوکی از کشورهای متحد اسلامی در برابر نفوذ غرب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در این زمینه، پیوندهایش را با سوریه، حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین گسترش داده است (Babak, 2013: 114).

ب) مقاومت اقتصادی

در حوزه اقتصادی نیز جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌داری غربی را نامشروع می‌خواند و سعی دارد با نامشروع اعلام کردن هنجارهای تجارت آزاد و نظام اقتصادی سرمایه‌داری، در برابر گسترش آن مقاومت کند (Holliday, 2013: 34). از این رو، براساس اصل «نفی سبیل» راهبرد تکیه بر توان داخلی و روابط اقتصادی با دولت‌ها و ملت‌های هم‌سو با محور مقاومت، یکی از مؤلفه‌های جامعه امنیت‌محور است.

ج) مقاومت فرهنگی - اجتماعی

از مهم‌ترین الزامات جامعه امنیت‌محور براساس گفتمان مقاومت، بعد فرهنگی و اجتماعی آن است. مسئله مهمی در سیاست‌های دفاعی محور مقاومت در کشورهای هم‌سوست. تهدیدات فرهنگی معمولاً نامرئی و نامحسوس، ریشه‌ای و عمیق، فراگیر، کارساز و خطرناک است. جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی طیف وسیعی از داده‌های تاریخی یک ملت را در یک سرزمین یا یک نژاد و قوم و یا دین و مذهب در سرزمین‌های مختلف تشکیل می‌دهد و با واژه «هویت» عناوینی مانند «هویت فرهنگی»، «هویت قومی و نژادی»، «هویت دینی و مذهبی» و... را دربر می‌گیرد.

از این رو، مهم‌ترین عاملی که به تولید مفهوم محوری در حوزه مطالعات امنیتی موسوم به «امنیت اجتماعی شده» منجر می‌شود، بر «هویت اجتماعی» استوار است. «ریچارد جنکینز» هویت اجتماعی را با دو مؤلفه مهم «شباهت‌ها» و «تمایزها» شناسانده و بدین ترتیب، راه را برای طرح هویت به مثابه مرجع امنیت هموار ساخته است (جنکینز، ۱۳۸۱).



به همین صورت، تلقی اجتماعی شده از امنیت، نزد نویسندگانی چون «باری بوزان» و «آلی ویور» رشد و تکامل یافته، به عنوان یکی از ارکان اصلی «مکتب کپنهاگ» در می‌آید که امروزه از اقبال درخور توجهی برخوردار است.

«بوزان» در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس که در سال ۱۹۹۱ منتشر شد، به اهمیت این بحث اشاره می‌کند و در ذیل عنوان «تهدید اجتماعی» از اهمیت و جایگاه محوری «هویت» در حوزه مطالعات امنیتی سخن می‌گوید (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۷). این همان ایده‌ای است که «ویور» نیز به روایتی دیگر آن را توسعه داده است (Waver, 1998: 31). با توجه به اهمیت فزاینده مباحث اجتماعی در تحلیل‌های سیاسی - اجتماعی، بوزان و ویور به همراه «پاپ دو ویلدا» در کتاب چارچوبی نوین برای تحلیل امنیت، اجتماعی شدن امنیت را مورد بحث مبسوط و مستقل قرار می‌دهند که در نتیجه آن، هویت اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌ها و نحوه صیانت از آنها در ذیل اصل کلی «تقویت هویت اجتماعی» مطرح شده است (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر، جوهره امنیت را مؤلفه‌های هنجاری و ارزشی‌ای که هویت‌ساز هستند، تشکیل می‌دهند و تمامی مؤلفه‌های سخت‌افزارانه موجود، تابعی از آن به شمار می‌آیند. معنای این سخن آن است که با تلقی‌ای جامع از امنیت اجتماعی شده مواجه هستیم که در آن، امنیت بر بنیاد اصول هنجاری و ارزشی جامعه قابل فهم، معنا و مدیریت است. این تلقی بر تمام روایت‌های پیشین حاکم است و همه آنها را شامل می‌شود.

بنابراین، اگر مفهوم مقابل امنیت را ناامنی در نظر بگیریم، مفهوم مقابل امنیت اجتماعی شده، ناامنی اجتماعی شده خواهد بود. ناامنی اجتماعی شده، معرف شرایطی است که در آن، گروه‌های اجتماعی به دلیل انکار هویتشان توسط گروه‌های اجتماعی دیگر (طبقه حاکم یا مسلط)، دچار بحران یا بی‌قراری هویتی می‌شوند یا این احساس در آنها پدیدار می‌شود که احساسات و ارزش‌های آنها توسط گروه مسلط اجتماعی نادیده گرفته یا بی‌ارزش تلقی می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت امنیت اجتماعی شده به دنبال صیانت از مهم‌ترین ارزش وجودی انسان؛ یعنی هویت و برقراری «امنیت هویتی»^۱ است. در نظریه امنیت اجتماعی شده، حفاظت و حمایت از برسازی مستمر هویت گروه‌های اجتماعی به اولویت اصلی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی تبدیل می‌شود. بر این اساس، علاوه بر تأمین شرایط ذهنی، لازم است شرایط عینی نیز برای برساخت هویت گروه‌های خرد و کلان اجتماعی فراهم شود. بدیهی است پیش‌شرط چنین امری، به رسمیت شناختن تکثر هویتی است.

نتیجه گیری

به طور خلاصه می توان بیان کرد که برای جامعه پردازی در کشورهای هم سو براساس مکتب فکری انقلاب اسلامی اولویت دادن به ارزش های اسلامی امت محور (به جای ملت) بایستی به آرمان بزرگ تمدن سازی انقلاب اسلامی توجه داشت و اولویت بندی در گام ها و برنامه ها را مد نظر قرار داد. از این رو، تلاش های الهام بخش جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر امنیت می تواند منجر به ایجاد طیفی از وابستگی امنیتی بین «خود» و «دیگران» شود و این وابستگی متقابل امنیتی می تواند به شکل گیری اتحادها و ائتلاف های منطقه ای بینجامد. به طور خلاصه الزامات جامعه پردازی امنیت محور در کشورهای هم سو با آرمان های انقلاب اسلامی عبارت اند از:

- تأکید برگفتمان وحدت و شکل گیری هویت واحد، با وجود تفاوت های فرهنگی و مذهبی (اصل وحدت)،

- همبستگی در برابر نظام سلطه جهانی و اذنا ب منطقه ای آن (حفظ دارالاسلام)؛

- پرهیز از رابطه سلطه مدار با دول بیگانه به عنوان عامل تهدید کننده امنیت (نفی سیل)؛

- تأکید بر زیرساخت ارزش های توحیدی و مبانی اسلامی انسانی مشترک (اعتصام به حبل الله)؛

- اطمینان از عدم تعرض و آسیب رساندن کشورهای هم سو به یکدیگر؛

- تأمین سازوکارهای همکاری اقتصادی و استفاده متقابل از ظرفیت های یکدیگر؛

- بهره گیری مناسب از ظرفیت، پتانسیل و قابلیت های ملی در راستای تعادل، ثبات و

انسجام داخلی کشورها؛

- برنامه ریزی مناسب برای تقویت هویت های واحد ملی با بهره مندی از اشتراکات

هویت های مختلف قومی، نژادی، زبانی، فرهنگی، مذهبی و...؛

- توجه به شکاف های اجتماعی جوامع و تلاش و برنامه ریزی برای تبدیل تهدیدات به فرصت ها.



منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، «دانش سیاسی» س ۸، بهار و تابستان، ش ۱.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، «ساختار اجتماعی امنیت: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»،
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، «نشست علمی: امنیت اجتماعی شده؛ رویکردی اسلامی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تاریخ برگزاری ۱۸ آبان ۱۳۸۹.
- افروغ، عماد (۱۳۹۷)، «مجلس خیرگان نیازمند تحولات ساختاری است»، مصاحبه با خبرگزاری ایرنا، ۱۲ شهریور.
- البرزی، محمدرضا (۱۳۶۸)، ارزیابی تحول دیپلماسی در قرن بیستم، نشر سفیر.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، «شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، قابل‌دس ترسی: <http://www.ensani.ir/fa/content/150282/default.aspx>
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، خاورمیانه در برزخ بحران و ثبات، کتاب «ماه تاریخ و جغرافیا»، شماره ۱۱۱.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی سیاسی، ج ۳، تهران: نشر نی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۱)، «مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی»، ج ۱، تهران: انتشارات گلپونه، دانشگاه امام صادق (ع).
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیراز.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره): مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار.
- سیمیر، رضا (۱۳۹۳)، «مبانی هستی‌شناسی مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۷، ش ۲۲، بهار.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۷)، «دانش سیاسی»، امنیت‌مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی (ره)، س ۴، ش دوم، پاییز و زمستان.

- قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۸)، مقاومت و دیپلماسی نهضتی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۴)، نظریه مقاومت و نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- قادری کنگاوری، روح الله (۱۳۹۷)، «نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای»، فصلنامه آفاق امنیت، س ۱۱، ش ۴۰، پاییز.
- قیصری، نورالله (۱۳۹۳)، «مکاتب امنیتی»؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، ش ۴، زمستان.
- قیصری زاده، یونس (۱۳۶۳)، «خصوصیات فرهنگی»، اطلاعات علمی، ۱۶ آبان.
- کامرانی، فریدون و سمیه عبادتی نظرلو (۱۳۸۹)، «بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر در احساس آرامش و امنیت اجتماعی زنان»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، س ۳، ش ۶.
- کریپندورف، کلوس (۱۳۸۳)، تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۳، پاییز.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، «تبیین در علوم اجتماعی»، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، ترجمه ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، علی (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»، روزنامه جام جم، ۳۰ آبان.
- مختاری، مریم؛ باللی، اسماعیل؛ میرفردی، اصغر؛ حسینی اخگر، معصومه (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، س ۱، ش ۲.



منابع لاتین

- Afshar, Babak (2013), Threat of Sanctions t and Management and Sanctions of Research in Economy in Iran.
- Holliday Shabna (1962), DefiningIran security as an ambi‘ symbol guous.
- Lipest and Rokkan (1970) Party systems and vaterAllignmenrs, New York: Free Press.
- Nakash, Ritzhak (2003) “The Shiites and the Future OfIraq”, Foreign Affairs, Jul/ Aug.
- Waever, Ole and Barry Buzan and Morten Kelstrup and piewe Lemaitve, , With David carlton (1993) Identity, London: Migration and the new security Agenda in Europe.
- Wolfers:‘ Politics of Resistance Ashgate Publishing Nation (2013)



